



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در این بود که آیا بلوغ در معاملات صبی اعتبار دارد یا نه؟ دو مینا در این مسئله وجود داشت؛ اول قول صاحب جواهر و شیخ انصاری بود که فرمودند معاملات صبی مطلقاً باطل است چه در اموال خودش و چه در اموال دیگران و چه با اذن ولی و چه بدون اذن ولی، حتی شیخ انصاری(ره) بر این مسئله ادعای اجماع و شهرت کرد.

قول دوم این بود که صبی محجور است و نمی تواند در اموالش تصرف کند لذا معاملاتش در اموال خودش باطل است تا اینکه به حد بلوغ و رشد برسد و آیه ۶ از سوره نساء و روایات باب نیز مربوط به عدم جواز تصرفات صبی در اموال خودش می باشد و اما اگر صبی ممیز باشد می تواند مستقلاً در غیر اموال خودش تصرف کند و معاملاتش را از طرف صاحب مال انجام بدهد که این قول حضرت امام(ره) در کتاب بیعشان بود و مانیز همین قول را پذیرفتیم، البته حضرت امام(ره) در تحریر الوسیله برخلاف کتاب البیع فرمودند معاملات صبی ممیز در غیر اموال

خودش باطل است مگر در اشیاء یسیره که سبیره بر صحت آن جاری می باشد.

شیخ اعظم انصاری در مکاسب در ادامه کلامشان دو قول دیگر را نقل کردند؛ یکی قول ملامحسن فیض کاشانی بود که به عرضتان رسید و قول دیگر که امروز می خوانیم قول صاحب ریاض است، شیخ اعظم می فرمایند: « نعم، ربما صحَّ سیّد مشایخنا فی الریاض هذه المعاملات إذا كان الصبی بمنزلة الآلة لمن له أهلیة التصرف؛ من جهة استقرار السیرة و استمرارها علی ذلك ».

شیخ اعظم انصاری به کلام صاحب ریاض اشکال می کند و می فرماید: « و فیه إشکال: من جهة قوّة احتمال کون السیرة ناشئة من عدم المبالاة فی الدین، کما فی کثیر من سیرهم الفاسدة.

و يؤیّد ذلك: ما یری من استمرار سیرتهم علی عدم الفرق بین الممیّزین و غیرهم، و لا بینهم و بین المجانین، و لا بین معاملتهم لأنفسهم بالاستقلال بحیث لا یعلم الولیّ أصلاً، و معاملتهم لأولیائهم علی سبیل الآلیة، مع أنّ هذه ممّا لا ینبغی الشکّ فی فسادها، خصوصاً الأخير.

مع أنّ الإحالة علی ما جرت العادة به کالإحالة علی المجهول؛ فإنّ الذی جرت علیه السیرة هو الوکول إلی کلّ صبیّ ما هو فطنّ فیه، بحیث لا

یغلب فی المساومة علیه ، فیکلون إلی من بلغ ستّ سنین شراءً باقة بقل ، أو بیع بیضة دجاج بفلس ، و إلی من بلغ ثمانية سنین اشتراء اللحم و الخبز و نحوهما ، و إلی من بلغ أربع عشرة سنة شراء الثياب ، بل حیوان ، بل یکلون إلیه أمور التجارة فی الأسواق و البلدان ، و لا یفرقون بینه و بین من أكمل خمس عشرة سنة ، و لا یکلون إلیه شراء مثل القرى و البساتین و بیعها إلاً بعد أن یحصل له التجارب، و لا أظنّ أنّ القائل بالصحة یتلزم العمل بالسیرة علی هذا التفصیل .

طبق مبنای ما و حضرت امام(ره) در کتاب بیعشان مطلب ساده و روشن است اما طبق قول کسانی که به سیره برای جواز معاملات صبی در اشیاء یسیره تمسک کرده اند (ملامحسن فیض کاشانی و صاحب ریاض) مطلب مشکل است زیرا ما أدله ای داریم که صراحتاً بر منع و عدم جواز معاملات غیر بالغ دلالت دارند مثل خبر حمزة بن حرمان و بیعان لؤلؤ و آیه ۶ از سوره نساء ، که این أدله منع با سیره منافات دارند .

حضرت امام(ره) درباره تعارض أدله منع و سیره می فرمایند أدله منع دلالت دارند بر عدم جواز بیع صبی غیر بالغ مطلقاً یعنی اطلاق دارند و معلق بر چیزی نیستند بلکه بر حکم منجز دلالت دارند ولی سیره معلق است بر عدم ردع شارع لذا اگر

این دو را در نظر بگیریم أدله منع به خاطر تنجزش مقدم می شود و در واقع سیره را ردع می کند مگر اینکه بگوئیم أدله منع انصراف دارند از آنچه که سیره بر آن جاری می باشد ، این ادعای امام(ره) بود که به عرضتان رسید .

خوب واما طبق مبنای ما دیگر این بحث ها مطرح نیست زیرا همانطورکه ما عرض کردیم آیه و روایات باب فقط دلالت دارند بر عدم جواز تصرفات صبی غیر بالغ در اموال خودش تا وقتی که به بلوغ و رشد برسد و این یک حکم تعبدی از طرف شارع است به خاطر حفظ اموال یتیم صغیر و دیگر دلیلی برای منع و عدم جواز تصرفات صبی ممیز در غیر اموال خودش نداریم و از طرفی أدله و عمومات باب بیع نیز شامل این مورد می شوند و بر صحت معاملات صبی ممیز در غیر اموال خودش دلالت دارند . بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله ...

والحمد لله رب العالمین و صلی علی

محمد آله الطاهیرین